

پزشک و پزشکی در

شاهنامه‌ی حکیم توس

دکتر جواد وهاب زاده

عضو هیات علمی دانشکده‌های

علوم پزشکی اردبیل

□ نگه کن بدین گنبد تیز گرد

رودابه است که به علت درشت‌بودن جثه‌ی نوزاد به دستور سیمرغ، موبد پزشکی او را با شکافتن پهلوی رودابه به دنیا می‌آورد.

فردوسی بیش از پنجاه بیت به تشریح جزئیات تولد رستم اختصاص داده که شرح آن خود مقاله‌ی جداگانه می‌طلبد و در این جا فقط به سه بیت آن بسنده می‌شود، در بیت دوم به تاییدن سر بچه که در اصطلاح پزشکی امروز مانور «ورسیون = version» نامیده می‌شود، به خوبی اشاره شده است:

بیاورد یکی خنجر آنگون

یکی مرد بینا دل پُر فسون

شکافید بی‌رنج پهلوی ماه

بتابید مر بچه را سر ز راه

چنان بی‌گزندش برون آورید

که کس در جهان این شگفتی ندید

که درمان ازویست و زویست درد

نام حکیم ابوالقاسم فردوسی و شاهنامه گرچه تداعی‌کننده‌ی سرگذشت شاهان، پهلوانان اساطیری و تاریخی‌ست، در عین حال این شاهکار حماسی ادب فارسی دارای مضامین فلسفی، اخلاقی، اجتماعی و دیگر مباحث از جمله نکات پزشکی‌ست، نکاتی که برای خوانندگان گرامی بویژه پزشکان خالی از لطف نیست. البته تذکر این نکته‌ی بدیهی ضروری‌ست که اشارات پزشکی شاهنامه را با ویژگی‌های دانش پزشکی عصر فردوسی و باورهای اساطیری موجود در آن عصر باید ارزیابی کرد، نکته‌ی دیگر این‌که برای پرهیز از اطاله‌ی بیش‌تر کلام، حتالمقدور سعی شده است موضوع‌های بیست و یک‌گانه‌ی مقاله به اختصار بیان شود. بعد از این مقدمه می‌پردازیم به اصل مطالب:

۱- پیدایش هنر پزشکی

در دوران پادشاهی جمشید

فردوسی در شرح پادشاهی جمشید به کاربرد عطرها و فرآورده‌های گیاهی به‌عنوان دارو و پیدایش صنعت طب چنین اشاره می‌کند:

دگر بوی‌های خوش آورد باز

که دارند مردم به بویش نیاز

چو «بان» و چو کافور و چون مُشک ناب

چو عود و چو عنبر چو روشن گلاب

پزشکی و درمان هر دردمند

در تندرستی و راه‌گزند

که «در تندرستی» با علم بهداشت و «راه‌گزند» با علم آسیب‌شناسی

امروز قابل تطبیق است.

۲- سیمرغ نماد پزشک و حکیم چاره‌ساز

واژه‌ی سیمرغ مرکب از «سنه = Saena» نام موبد پزشک و جراح معروف و «مرو = Morve» به‌معنی مرغ در اوستا می‌باشد. این مرغ افسانه‌ی در شاهنامه نماد پزشک و حکیمی‌ست که مشکلات عدیده‌ی از جمله معضلات پزشکی را برطرف و موجب آرامش می‌شود. به‌عنوان مثال زال نوزاد را که از سوی پدرش سام طرد شده است، در کوه پرورش می‌دهد و سال‌ها بعد وقتی همین زال از زایمان طبیعی همسرش رودابه در موقع به‌دنیا آوردن رستم ناامید و مضطرب است، سیمرغ با دادن مژده‌ی نوزاد سالم و نیرومند به او، ابرهای تیره‌ی غم را از خاطر او برطرف می‌کند:

چنین گفت سیمرغ کاین غم چراست

به چشم هژبر اندرون غم چراست

ازین سرو سیمین بر ماهروی

یکی شیر آید ترا نامجوی

۳- عمل رستمی (سزارین)

مهم‌ترین و مشهورترین اشاره‌ی پزشکی شاهنامه، شرح تولد رستم از

۴- سیمرغ در نقش جراح

در جنگ رستم و اسفندیار، با توجه به زخمی‌شدن شدید رستم و رخس، خود سیمرغ شخصاً به معاینه‌ی زخم‌ها پرداخته و با تخلیه‌ی خون زخم‌های عمیق و بیرون کشیدن پیکان‌ها، زخم‌های رستم و رخ را پانسمان می‌کند:

نگه کرد مرغ اندر آن خستگی

بدید اندرو راه پیوستگی

از و چار پیکان به بیرون کشید

به منقار از آن خستگی خون کشید

بر آن خستگی‌ها بمالید پُر

هم اندر زمان گشت با زیب و فر

در همین نبرد است که سیمرغ با پی‌بردن به نقطه‌ی ضعف و

آسیب‌پذیر اسفندیار رویین‌تن و راهنمایی رستم، جنگ با پیروزی رستم پایان می‌پذیرد.

۵- فن هوش‌بری و به هوش آوری

فردوسی بارها به استفاده از می و داروی خواب‌آور به‌منظور بیهوش کردن اشاره می‌کند. در تولد رستم سیمرغ به موبد پزشک دستور می‌دهد که قبل از شکافتن پهلوی رودابه، ابتدا او را با می بیهوش کند:

نخستین به می ماه را مست کن

ز دل بیم و اندیشه را پست کن

در داستان بیژن و منیژه هم به‌دستور منیژه، بیژن را با خوراندن داروی

بیهوشی، مدهوش کرده و به قصر منیژه می‌برند:

به فرمود تا داروی هوش‌بر

پرستنده آمیخت با نوش بر

بدادند چون خورد می گشت مست

همان خوردن و سرش بنهاد پست

و در قصر او را با گلاب، کافور، روغن و صندل به هوش می‌آورند:

بگسترده کافور برجای خواب

همی ریخت بر چوب صندل گلاب
بیاورد روغن مر او را بداد
که تا گشت بیدار و چشمش گشاد
چو بیدار شد بیژن و هوش یافت
نگار سمنبر در آغوش یافت

۶- نوشدارو و پادزهر

در **اوستا**، «نوشا» و در زبان پهلوی، «نوش» به معنی بی مرگ آمده و در زبان فارسی هم «نوش» در مقابل زهر آمده و واژه‌ی نوشدارو مترادف با نوشا، نوش، پادزهر و تریاق می‌باشد. این نوشدارو تنها در خزانه‌ی پادشاهان یافت می‌شده و زخمی‌ها را از مرگ نجات می‌داده است. رستم نیز پس از دریدن پهلوی سهراب وقتی به هویت او پی می‌برد، برای درمان زخم پسر از شاه کیکاووس تقاضای نوشدارو می‌کند:
از آن نوشدارو که در گنج تست

کجا خستگان را کند تندرست
به نزدیک من با یکی جام می
سزد گر فرستی هم اکنون به پی
فردوسی اشاره‌ی هم به پادزهر دارد و در وصف پزشک هندی که به درمان اسکندر ماموریت یافته بود، چنین می‌گوید:
ز دانایی او را فزون بود مهر
همی زهر بشناخت از پادزهر

۷- گیاهان دارویی

در پزشکی کهن داروها از گیاهان به دست می‌آمد و واژه‌ی دارو از واژه‌ی «دار» که به معنی درخت است ساخته شده است (به وجه تسمیه‌ی پرنده‌ی دارکوب توجه شود) و کلمات Drug انگلیسی و Drog فرانسوی و داروی فارسی صورت تغییر شکل یافته واژه‌ی «داروگ» در زبان پهلوی است. فردوسی در شرح پادشاهی انوشیروان به رفتن برزویه‌ی طبیب به هند جهت آوردن گیاهان طبی چنین اشاره می‌کند:

چو برزوی بنهاد سر سوی کوه
برفتند با او پزشکان گروه
برفتند هرکس که دانا بدند
به کار پزشکی توانا بدند
گیاهان ز خشک و ز تر برگزید
ز پژمرده و هرچه رخشند بود
در تولد رستم نیز موبد پزشک به دستور سیمرغ مرهمی از کوبیدن گیاهی مخصوص و آمیختن آن با شیر و مشک و خشک کردن آن در سایه، ساخته و بر زخم عمل رودایه می‌گذارد:

گیاهی که گویمت با شیر و مشک
کوب و بکن هر سه در سایه خشک
بر آن مال از آن پس یکی پر من
خجسته بود سایه‌ی فر من
نکته‌ی ظریف این دستور، توصیه به خشک کردن مرهم در سایه است تا خواص آن در اثر نور آفتاب و گرما از بین نرود، توصیه‌ی که امروزه هم در نگهداری داروها به قوت خود باقی است. گیاه طبی پرسیا و شان نیز به روایت **شاهنامه** از خون سیاوش رسته است:

به ساعت گیاهی از آن خون برست
جز ایزد که داند که آن چون برست
در بخش‌های دیگر مقاله نیز از کاربرد گیاهان دارویی صحبت شده است.

۸- قطره‌ی چشمی

در لشکرکشی کیکاووس به مازندران و جنگ او با دیو سپید و کور شدن چشم سربازان ایرانی (احتمالاً به‌وسیله‌ی گاز اشک‌آور سیر) رستم دیو سپید را کشته و موبد پزشکان با چکاندن خون جگر دیو سپید در چشم سربازان، آن‌ها را درمان می‌کنند (تداعی کننده‌ی وجود ویتامین A در جگر و تاثیر مثبت آن در بینایی).

چنین گفت فرزانه مردی پزشک

که چون خون او را به سان سرشک

چکانی سه قطره به چشم اندرون

شود تیرگی پاک با خون برون

۹- مهره‌ی التیام بخشی شاهان

شاهان ایران بر بازوی خویش مهره‌ی داشتند که هر زخمی را التیام می‌داد:

ز هوشنگ و تهمورث و جمشید
یکی مهره بود خستگان را امید
با این مهره است که کیخسرو زخم مهلک «گسته‌م» پهلوان نامی را
درمان می‌کند (مهره‌ی کیخسرو).

۱۰- عنایت به اهمیت بیمارستان جندی شاپور

پس از اعدام مانی به جرم دعوی پیامبری در شهر جندی شاپور، پیکرش را ابتدا در دروازه‌ی این شهر و سپس در جلوی دیوار بیمارستان جندی شاپور که نقطه‌ی بسیار شاخص و مهم شهر بوده، آویزان می‌کنند:

بیاویختش از در شارسان

دگر پیش دیوار بیمارسان

۱۱- تاثیر ژن و توارث در فرزند

حکیم طوس بارها به مقوله‌ی توارث تحت عنوان نژاد و گوهر اشاره کرده و به نقش ژن در خلق و خوی و اصالت فرد توجه داد:

چنین گفت کز پاک مام و پدر
یکی شاخ شایسته آید به بر
کرا گوهر تن بود بانژاد
نگوید سخن با کسی جز به داد

۱۲- نشانه‌شناسی بیماری آلبینیسم = Albinism (زالی)

در این بیماری ارثی چون رنگدانه‌ی سیاه ملانین در پوست ساخته نمی‌شود، تمام موهای بدن سفید و پوست هم سفید مایل به صورتی است. چون پدر رستم نیز دچار این اختلال بوده است، او را زال (زال زر) می‌نامند. فردوسی نشانه‌ی زالی را چنین بیان می‌کند:

ز مادر جدا شد بدان چند روز

نگاری چو خورشید گیتی فروز

به چهره چنان بود بر سان شید

ولیکن همه موی بودش سپید

۱۳- شرایط پزشک

یکی از شرایط پزشک موفق سلامتی خود اوست:

پزشکی که باشد به تن دردمند
ز بیمار چون باز دارد گزند

۱۴- مشاوره‌ی پزشکی

علاوه بر سیمرغ که در موارد حساس نقش پزشک مشاور دارد، خود

رنگ در شاهنامه

امین روشن

کارشناس ارشد ادبیات فارسی

بدون شک رنگها نقش مهمی را در حیات انسان ایفا می کنند و تصور و تصویر جهان بدون رنگ چه قدر سرد و بی روح می نمود. بنابراین رنگ به عنوان یکی از چاشنی های خلقت در استتیک و زیبایی اشیا و در ارائه ای معانی و مفاهیم مختلف قابل بررسی است.

رنگها دارای مفاهیم بی شماری هستند و جهت دادن به رنگ از هر لحاظ ممکن نشانه ای از طرز تفکر و احساس فرد است و ساختار درونی شخص به وسیله ای اندیشه اش انعکاس می یابد. رنگ گاهی به عنوان سمبول (Symbol) به کار می رود، در سمبول رنگ و طبقه بندی آن ها می توان نشانه ای رنگ را در قالب نشانه های طبیعی قرار داد، به عنوان مثال سیاهی آتش می تواند حامل پیام خطر تلقی شود، هم چنین می توان مفهوم نشانه ای رنگ را در قالب نشانه های وضعی و قراردادی نیز مورد بررسی قرار داد، مثلاً سرخی چراغ راهنما حامل پیام ایست است، بنابراین رنگها می توانند در علم نشانه شنای حامل صدها پیام گوناگون باشند.

رنگهای سمبولیسم مدام در حال تغییر و تحول هستند، گستردگی کاربرد رنگ در پرچمها، خيام، البسه، آیین و حتا در عالم ماوراءطبیعت آن ها را مجبور به تغییر مفاهیم می کند. پذیرش یک رنگ معین به عنوان سمبل در اقوام گوناگون تحت تاثیر عوامل متعددی ست مانند: آب و هوا، آداب و رسوم، باورهای کهن و... اما تاثیر گذاری رنگها به این جا ختم نمی شود در طی مطالعات دانشمندان معلوم شد رنگها رابطه ای مستقیمی با اعصاب سمپاتیکی انسان و حتا حیوانات دارند و هم چنین رنگ در بزاق و اشتهای آدمی بی تاثیر نیست، روانشناسان دریافته اند هر رنگ دارای نتیست، به همین دلیل مثلاً رنگ آبی، آرام بخش و رنگ قرمز باعث افزایش فشار خون می شود.

امروزه رنگ از سه دیدگاه مورد بررسی قرار می گیرد:

امپرسیون (بصری)؛ ۲- اکسپرسیون (حسی)؛ ۳- کنستروکسیون (سمبولیک).

اما نکته ای جالب این که قداماً به اهمیت رنگها پی برده بودند و این نکته در متون عرفانی، حماسی، غنایی و... کاملاً قابل مشهود است.

رنگ در نزد ایرانیان باستان نیز مهم به شمار می رفته، چنان که در آیین های ایران باستان شاهد حضور رنگهای گوناگون مانند سفید، سبز و... هستیم. رنگ و تاریخچه ای آن در باورها و اعتقادات تمدن های باستانی ست، چون رنگ در تمدن های باستانی مظهر نور

پزشکان هم گاهی با هم به مشاوره می نشینند:

پزشکان فرزانه گرد آمدند همه یک به یک داستانها زدند ز هر گونه نیرنگها ساختند مر آن درد را چاره نشناختند حتا گاهی از اقصی نقاط دنیا پزشکان با هم تبادل نظر می کنند:

پزشکان که از هند و از روم و چین چه از شهر توران و ایران زمین ۱۵- پزشک در نقش سفیر صلح

برای پیشگیری از حمله ای اسکندر به هند «کید» شاه هند طبیعی دانا برای درمان اسکندر می فرستد پزشک با درمان موفقیت آمیز اسکندر، از موقعیت ممتازی برخوردار می شود و مانع حمله ای اسکندر به قلمروی «کید» می شود: ز دانا پزشکان سرش بر فراخت ورا خلعت و نیکویی ها بساخت

۱۶- تاکید به دادن شرح حال درست از سوی بیمار

هر آن کس که پوشید درد از پزشک

ز مژگان فرو ریخت خونین سرشک

۱۷- نقش ورزش در تندرستی

ز نیرو بود مرد را راستی ز سستی کژی زاید و کاستی

۱۸- پرهیز از پر خوری

نباشد فراوان خورش تندرست بزرگ آن که او تندرستی بجست مکن در خورش خویشتن چارسو چنان خور که نوزت بود آرزو

۱۹- تاثیر سوء شراب در گفتار و تصمیم گیری

کسی کو خورد داروی بی هشی نباید گزیدن جز از خامشی به مستی بزرگان نیندند بند بویژه کسی کو بود ارجمند

۲۰- پرهیز از بیش فعالی جنسی

چو افزون شود کاهش افزون بود ز سستی تن مرد بی خون بود

۲۱- عارضه های خشم مایه ای پشیمانی و افسردگی ست که نیاز به درمان دارد

چو خشم آوری هم پشیمان شوی

به پوزش نگهبان درمان شوی اشارات پزشکی، دارویی و بهداشتی فوق الذکر در شاهنامه نکاتی ست که نظر من پزشک را به خود جلب کرد، به احتمال قوی کسانی که انس بیش تری با این اثر بزرگ دارند، با نگاه جست و جوگر و کنجکاوتری می توانند به نکات دیگری در همین مقوله دست یابند. ■

پی نوشتها

۱- پر ۲- هنوزت

منابع و ماخذ

۱- شاهنامه، حکیم ابوالقاسم فردوسی، به کوشش محد دبیر سیاقی.

۲- کشف الایات شاهنامه ای فردوسی، تلویین محمد دبیر سیاقی.

۳- تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر، محمدتقی سرمدی، جلد اول.

۴- سخنرانی و بحث درباره ای شاهنامه ای فردوسی، جلد سوم، سخنرانی دکتر محمود نجم آبادی.

۵- آیینها در شاهنامه ای فردوسی، تالیف محمد آبادی با ویل.

۶- نامه ای باستان، دکتر میرجلال الدین کزازی.